

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی • مشاوران: عباس عدی و احمدزید آبادی، سردبیر: محمدجواد روح، سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی
• معاون سردبیر: مهرداد خدیو، دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد)، آرمن منتظری (دبلیواسی و بین الملل)، علی ورامینی (رسانه و فرهنگ)، سمیه متقی (سیاست)
• الناز محمدی (جامعه)، آرش خاموشی (عکس)، هادی حیدری (طرح و کاریکاتور)، شبنم رحمتی (معاون آنلاین)، مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• حرفه‌چینی و ویراستاری: شهرام هادی، مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری، تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰، تحریریه: ۸۸۷۳۰۰۲۹، آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷
• نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸، لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن، توزیع: نشر گستر امروز نوین، تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲

رئیس جمهوری که کافر نیست



عبدالجواد موسوی
شاعر و روزنامه‌نگار

یکی، دو روزی مانده بود به انتخابات، یکی از شاعران آیینی در اینستاگرام خطاب به رأی دهندگان پیامی را منتشر کرد. او گفت، در طیف متدینین جامعه کم نیستند کسانی که دلشان می‌خواهد به آقای پزشکیان رأی بدهند و با تفکرات آقای جلیلی مرزبندی جدی و روشنی دارند، اما عده‌ای سعی دارند طوری وانمود کنند که امکان ندارد کسی مذهبی باشد و به آقای جلیلی رأی بدهد. یا اینکه مذهبی باشد و به آقای پزشکیان رأی بدهد. البته آن‌هایی که حافظه سیاسی‌شان خوب کار می‌کند، می‌دانند این دو قطبی سازی سال‌ها پیش به راه افتاد و اگر چه روزبه‌روز پُررنگ‌تر شد اما شروع آن به دوم خرداد ۷۶ برمی‌گردد. دو طرف هم تا توانستند در آن دمیدند. منظوم از دو طرف بیشتر جریان رسانه‌ای این طرفی‌ها و آن طرفی‌ها بود. یک طرف می‌خواست یک‌سببه ادبیات جامعه را عوض کند و از جنگ جنگ تا رفع فتنه در عالم ما را به جامعه مدنی و اعلامیه حقوق بشر برساند و طرف دیگر هم با چاپ عکس پیکرهای شهیدا و دختران جوان و بانشاط در کنار یکدیگر قصد داشت مردم را علیه دولت بشوراند و به آن‌ها القا کند سبب این اوضاع و احوال، دولت‌مردانی هستند که از خدا و پیغمبر بی‌خبرند. اگر نگوییم بازی کاسبکارانه‌ای بود به جرات می‌توانم بگویم کودکانه و عوامانه بود؛ یک بازی مهیج، سرگرم‌کننده و سودآور برای بازیگرانش اما به شدت خطرناک؛ بازی‌ای که سرانجام تفرقه و تشنیت هولناکی را برای ما به ارمغان آورد و به‌منظرم ریشه بسیاری از مشکلات ما در سال‌های پس از دوم خرداد شد. در همان زمان هم رسانه‌های این طرفی و آن طرفی طوری القای کردند که طرفداران آقای خاتمی اگر مشتکی کافر حربی نباشند، دست‌کم آدم‌های بی‌اعتنا به ارزش‌های دینی و انقلابی هستند و در طرف مقابل هم آن‌هایی که به ناطق نوری رأی دادند اگر آدم‌خوار نباشند حداقل با زدن و کشتن و بستن هیچ مخالفتی ندارند. این دو قطبی اندک‌اندک به اهل سیاست هم سرایت کرد تا آنجا که بر طبق یک قانون نانوشته اهل سیاست پذیرفتند که هر کسی سزا خودش را بزند. اصول‌گرایان شدند مسئول حفظ ارزش‌های دینی، انقلابی و اصلاح‌طلبان هم شدند حامی حقوق بشر و حفظ کرامت انسانی. اگر فی‌المثل در یک فیلم سینمایی یا یک تئاتر اتفاقی خلاف عرف جامعه ایرانی رخ می‌داد اصولگراها و اسلاما و او اخلاقا سر می‌دادند و در مقابل اصلاح‌طلب‌ها ساکت می‌نشستند. در مقابل وقتی یک فعال سیاسی و منتقد مشکلی برایش پیش می‌آمد اصلاح‌طلب‌ها زمین و زمان را به هم می‌دوختند، اما صدایی از اصولگرایان در نمی‌آمد. آن قدر این تقسیم وظیفه به‌صورت کمیکی داشت اجرا می‌شد که وقتی علی مطهری جسارت کرد و حرف‌هایی در دفاع از آزادی بیان زد اصلاح‌طلب و اصولگرا گپج شدند که ای بابا این دیگه از کجا سر و کلاهش پیدا شد؟ کار به جایی رسید که بعد از چند وقت نه اصولگرا علی مطهری را کردند می‌گرفت، نه اصلاح‌طلب. هر چه جلوتر می‌آمدیم اوضاع بدتر شد. از ۸۸ به این طرف دیگر جامعه فرهنگی و سیاسی به دو قطب مذهبی و لامذهب تقسیم شده بود و چه کیفی می‌کردند این وسط این‌هایی که شغل‌شان دین‌فروشی یا دین‌ستیزی بود. مردم اگر چه این وسط، کار خودشان را می‌کردند و با خودشان را می‌بردند، اما آن‌ها نیز اندک‌اندک از این فضاها متأثر شدند. در دهه ۹۰ خدا و پیغمبر شده بود ملک طلق یک عده خاص و خیلی‌ها از ترس اینکه مبادا در کنار آن‌ها قرار بگیرند عقایدشان را پنهان می‌کردند. به گمانم یک‌بار نوشته بودم که زنده‌یاد هوشنگ ابتهاج می‌گفت، می‌ترسم از اینکه شعری را که برای امام حسین (ع) گفته‌ام منتشر کنم. این فضا تا همین چندروز پیش ادامه داشت تا اینکه ناگهان مردی به‌نام مسعود پزشکیان به صحنه سیاست ایران وارد شد. مردی که فارغ از دو قطبی‌های مضحک و کاسبکارانه سخت به اعتقاداتش پایبند است؛ مردی که در مقابل مدعیان دین‌مداری و ارزش‌مداری با صدایی رسا و محکم از عدل علی (ع) سخن می‌گوید و تناقضات آن‌ها را با شعارهای اصیل انقلابی و اسلامی گوشزد می‌کند. هر چند دشمنان قسم خورده او برای زمین خوردنش از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کنند، اما آن‌ها هم خوب فهمیده‌اند این بمب‌ری از آن تو بمب‌ری‌ها نیست و این بار نمی‌توان به راحتی حریف را به کفر و زندقه متهم کرد. اگر آن‌ها بلند با فریاد حیدر حیدر مخالفان‌شان را برترسانند این‌بار با مردی مواجهند که طرفدارانش بلندتر از آن‌ها حیدر حیدر می‌گویند. اگر آن‌ها شرکت در مراسم عزاداری در محرم را ویژه خود می‌دانند این‌بار با کسی طرفند که خودش یک هیبتی تمام‌عیار است، متاسفم دوستان! این‌بار کارتان خیلی سخت است.



عکس: Gettyimages

میزبانی به قیمت سرکوب اعتراض؟

آلمان‌ها در حالی از رقابت‌های یورو حذف شدند که رکوردهایی منفی ثبت کردند



سپهر خرمی
گزارشگر ورزشی هم‌میهن

یورو دقیقاً پارک‌ها و میدان‌هایی را برای تماشای فوتبال تخصصی داده که چندی پیش محل تظاهرات آلمانی‌ها علیه دولت، نسبت به سیاست‌های اقتصادی بوده است. در واقع آن‌ها عقیده دارند دولت با چنین ترفندی باعث شده تظاهرات ضد دولتی منحرف و قطع شوند. با این حال ذهنیت مردم، الان فوتبال است و کاری به تظاهرات و مسائل سیاسی و اقتصادی ندارند. اگر این تئوری صحیح باشد، دولت آلمان در این زمینه موفق عمل کرده است.

تفاوت عجیب مدیاستر با قطری‌ها

در جام ملت‌های اخیر در قاره آسیا که حضور داشتیم، امکانات کم‌نظیری با حمایت AFC برای خبرنگارها در طول مسابقات در دوحه طراحی شده بود. به‌طور مثال، در مدیاسترهای ورزشگاهی در شهر دوحه، هر وعده غذایی از صبح تا پس از پایان مسابقه برای خبرنگارها به‌صورت رایگان داده می‌شد اما در ورزشگاه‌های آلمان نه تنها امکاناتی به خبرنگارها داده نشده، بلکه هر چیزی که برای فروش بود یا چند برابر قیمت در مدیاسترها فروخته می‌شد.

سکوئی که کشور را فرا گرفت

تا پیش از برگزاری مسابقه آلمان و اسپانیا، هواداران دوآتشفه فوتبال از ناگلزمن انتقاد می‌کردند که چرا در دور گروهی مقابل سوئیس شکست نخورد تا سمت آسان جدول در دور حذفی نرود! با این حال آلمان صلاح دید به‌سمت سخت جدول بیرون رفتن مقابل اسپانیا قرار بگیرد و در نهایت با گل دقیقه ۱۱۸ وقت‌های تلف شده، شکست خورد. بعد از این شکست، انگار به یک‌باره جمعیت زیادی که در سطح شهر برای فوتبال جمع شده بودند ناپدید شدند. آلمان‌ها تصور نمی‌کردند در یک‌چهارم حذف شوند.

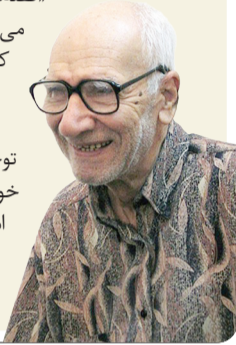
هر چند ناگلزمن بعد از سوت پایان مسابقه اشک ریخت و گفت اصلاً برای او قابل باور نیست که در این مرحله باید از جام کنار برود، اما چاره‌ای نیست که با نگاه او به جلو، کار را پیش ببرند. خدا حافظی تونی کروس از فوتبال از یک‌سوسو و حذف ژرمن‌ها از مرحله یک‌چهارم یاپانی باعث شد تا این میزبانی بیش از اینکه برای آلمان‌ها سودمند باشد علیه‌شان استفاده شد. برای اولین بار بود که تیم ملی آلمان در یک تورنمنت میزبان بود ولی به مرحله نیمه‌نهایی نمی‌رسید. تونی بعد از پایان مسابقه با انتشار پستی در صفحه شخصی خود نوشت: «۲۹ سپتامبر ۲۰۲۲ تلفن من زنگ خورد و پشت خط، بولین ناگلزمن بود که از من خواست به تیم ملی بازگردم. اولین فکری که در سرم افتاد: من احمق نیستم! اولین فکر قلبم: لعنتی بله! قلب من تصمیم گرفت که به آلمان بازگردم. امروز ۶ جولای ۲۰۲۴، خوشحالم که بازگشتم. با وجود همه غم و پوچی بازی دبیروز، من پتانسیل بالایی در تیم دیده‌ام، حتی بیشتر از سال‌های قبل!» حالا با حذف آلمان و ترکیه گویی دو میزبان این رقابت‌ها کنار رفتند و حالا باید تیم‌هایی به مصاف هم بروند که به لحاظ فوتبالی انتقادات فنی بسیاری را برانگیختند.

حالا تیم ملی آلمان با نسل طلایی که جام جهانی ۲۰۱۴ قهرمان جام جهانی شدند، به‌جز نوبر و مولر با تمام ۹ بازیکن دیگر خدا حافظی کرده و باید در اندیشه آغاز نسل جدید و نوپایی باشد که توانایی موفقیت و پیروزی در رقابت‌های بزرگ را ندارد. تیم ملی آلمان شهریورماه باید در مسابقات لیگ ملت‌ها بار دیگر به میدان برود اما بازم آن‌ها، مردمانی را سرفراکنده کردند که با میزبانی در این رقابت‌ها امیدواری بسیار زیادی بین مردم ایجاد شده بود. شاید تنها دستاورد این میزبانی، سهم دولت و شهرداری شد که طبق آمار نشریه بیلد طی این یک‌ماه برگزاری مسابقات یورو، بیش از یک‌میلیون نفر توریست به آلمان سفر کرد و چرخه اقتصادی آنها را بیش از قبل حرکت داد.

چهره

پدري کردن برای ادبيات کودکان ايران

نام مهدی آذریزدی و مجلدات «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب»، با کودکی بسیاری از ایرانیان گره خورده است. مهدی آذریزدی، از نامدارترین نویسندگان تاریخ ادبیات کودک و نوجوان ایران که ۸۷ سالگی درگذشت. سال‌روز درگذشت نویسنده «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب»، از سال ۱۳۹۱ به نام «روز ادبیات کودکان و نوجوانان» نام‌گذاری شد. آذریزدی که او را پرتیراژترین نویسنده تاریخ ادبیات کودک و نوجوان ایران می‌دانند، در مجموع بیش از ۲۰ عنوان کتاب برای بچه‌ها نوشته است. نام آذریزدی همیشه همراه است با «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب». او که می‌خواست برای بچه‌هایی که مثل خودش کتاب نداشتند، کاری بکند، اولین جلد این مجموعه را در سال ۱۳۳۵ منتشر کرد که با گذشت سال‌ها همچنان مورد توجه است. بزرگترین لذت زندگی آذریزدی، خواندن کتاب بود و می‌گفت، ترمیم از این است که عمرم به پایان برسد و حسرت کتاب‌های نخوانده را با خود به همراه داشته باشم.



کتابخانه

ماوراء الطبیعی‌چندگانه

کتاب «درآمدی بر متافیزیک: از پارمنیدس تا لویناس» نوشته ژان گرونون، با ترجمه سعید تقوایی ابریشمی در ۴۶۳ صفحه، با قیمت ۳۸۰ هزار تومان توسط انتشارات نی منتشر شده است. ژان گرونون، فیلسوف کانادایی است که زمینه تحقیقاتی او عمدتاً در حوزه هرمنوتیک است. از دیگر آثار او می‌توان به کتاب‌های «هرمنوتیک» و «درآمدی به علم هرمنوتیک فلسفی» اشاره کرد. گرونون در کتاب حاضر بیان می‌کند که متافیزیک در حکم رشته راهنمای سراسر سنت غرب بوده است. از نظر او، متافیزیک‌های بی‌شماری وجود دارد که همه آن‌ها هسته مشترکی دارند. گرونون در رابطه با کتاب «درآمدی بر متافیزیک» نوشته است: «این کتاب را به این امید نگاشتم تا نشان دهم متافیزیک در ذاتش، کوشش خودانتقادرانه ذهن انسان است برای فهمیدن کل واقعیت و اسباب عقلانی آن. سنت اندیشه غربی برعهده گرفته است که این کوشش را پاسداری کند.»



درآمدی بر متافیزیک
نویسنده:
ژان گرونون
مترجم: سعید تقوایی ابریشمی
انتشارات: نی

تاریخ

کشف کودتای نوزده



کودتای نوزده حرکتی نظامی بود که چندی پس از پیروزی انقلاب ۵۷، توسط عناصر ضدانقلاب برای بازگرداندن محمدرضا پهلوی و شاهپور بختیار طرح‌ریزی شده بود. در دی‌ماه ۱۳۵۸ یکی از هواداران شاهپور بختیار به‌نام مهندس قادسی، نموداری سازمانی را تهیه کرد و نام آن را «انقلاب» (نجات قیام انقلاب بزرگ) گذاشت. از نظر مسئولان تقاب و با تصویری که از کودتای ۲۸ مرداد داشتند، با سقوط تهران، ایران تسلیم کودتاکران می‌شد. پایگاه هوایی نوزده در نزدیکی شهر کبودآهنگ همدان، مرکز فرماندهی کودتا بود. فرماندهی کل کودتا به‌دست سپهبد سعید مهدیون (فرمانده پیشین نیروی هوایی ایران) و رهبری قسمت نیروی هوایی این کودتا برعهده سرتیپ خلبان، رئیس آکروجت شاهنشاهی آیت محقق بود. هدف نخست کودتا، حمله هوایی به منزل امام خمینی در تهران، سپس حمله به برج مراقبت فرودگاه مهرآباد بود. همچنین قرار بود ساختمان مجلس و مراکز رادیو و تلویزیون تسخیر و بسیاری از مسئولان جمهوری اسلامی بازداشت شوند. برنامه ۱۸ تیرماه ۱۳۵۹ با دستگیری و کشته‌شدن تعدادی از عوامل آن فاش شد. دوروز پس از کودتا، مهدیون و محقق دستگیر شدند و بازجویی‌ها به همکاری خود باختیار اعتراف کردند.